



نیز به هم ندارند؟ به هر حال مخاطب عام سینما، شاید با دیدن چنین تفاوت‌هایی ظاهری به صراحت بیفتد و مدتی طول بکشد تا موضوع برایش قابل هضم باشد.

بپسیدید، همه ایده طرح نوشتن فیلمنامه از همین جابه وجود آمد. اینکه چطور یک کاراکتر در طول زمان تغییر می‌کند و اصلاً به آدم دیگری تبدیل می‌شود. موضوع اینجاست که با فیلمی داستان‌محور سر و کار نداریم. خوب اگر دنبال شباهت‌های فیزیکی بودیم، می‌توانستیم از گریم استفاده کنیم و شخصیت‌ها را از نظر ظاهری بیشتر به هم شبیه کنیم اما آنوقت درست همان زمانی بود که کل ایده پیدایش فیلم ز بر سوال می‌رفت البته این را هم باید بگوییم که کاراکترها آنقدرها هم به هم بی‌شباهت نیستند اما دقیقاً تاکید همینجا بود که انسان‌ها تغییر می‌کنند.

از آنجا که نویسنده فیلمنامه هم شما بودید، گمان می‌کنم مدت زیادی را هم صرف نگارش، بازنویسی و تصحیح متن آن کردید. به هر حال کارگردانی که نویسنده‌ی نخستین فیلم بلند خود را هم بر عهده داشته باشد، ممکن است ناخواسته پیش از کارگردانی که فیلم‌نامه را از نویسنده دیگری می‌گیرد، روی متن آن حساس باشد.

خوب من فیلم‌ساز هستم اما نوشتن نیز همیشه برایم لذت‌بخش بوده است. درباره نگارش فیلم‌نامه «نارا» هم این کار بین دو ناسه سال، به صورت تاپیوسته طول کشید. یعنی اینطور نبود که من دو سال مداوم و هر روز رویش کار کنم و متن را بنویسم و خط‌بزنم و بازنویسی کنم. هر زمانی که فرصت مناسبی بود، با حوصله می‌نوشتم و به فیلمنامه فکر می‌کردم و اینکه چطور آن را بنویسم، یا به قولی بازنویسی کنم. البته باید این را هم در نظر داشت که فیلم‌نامه «نارا» سفارشی نبود که برای نمونه دو ماه فرصت داشته باشم و ضرب‌الاجل برای آن مقرر شود تا مثلاً آن را در فلان تاریخ تحویل دهم. پس سر فرصت و با حوصله آن را نوشتم و البته شما که سر و کار خودتان با نوشتن است و می‌دانید که پس از هر بار نوشتن چقدر باید بازنویسی کرد تا نوشتار شما سر و شکل بگیرد.

و به نظر پیش تولید دشواری هم داشتید. چون پیش از این هم مصاحبه‌ای از شما خواندم و بر داشتیم این بود که شما عوامل ساخت فیلم نیز در تولید و تهیه آن با مصائب متعددی روبرو شدید.

من باز باید به مقوله ضرورت بودجه کافی و وجود حتمی مالی در تولید فیلم‌های بلند سینمایی تاکید کنم. گاهی یک فیلم‌ساز زمانی که درگیر ساخت فیلم یا سریالی است، پروژه ساخت اثر دیگری را آغاز می‌کند و حتی کار دومش هم به پایان نرسیده سراغ تولید اثر دیگری می‌رود. زمانی که پول کافی وجود داشته باشد، کار تولید راحت‌تر می‌شود و فیلمساز نیز در این چرخه با وجود مشغولیت متعدد، از پس کار برمی‌آید. برعکس وقتی با بودجه اندک و محدود دست به ساخت فیلم بلند می‌زنید حتی پیش تولید هم برایتان سخت‌تر از همیشه می‌شود و روی آن حساس‌تر خواهید شد. یعنی زوم می‌کنید که کار با توجه به بضاعت‌تان به نحو احسن انجام شود. خوشبختانه عواملی داشتیم که همه همراهی کردند تا از پس این کار سخت برآییم.

#### کرونا هم روی کار شما تاثیر گذار بود؟

بله متأسفانه در شروع کار و در اسفندماه با پاندمی کرونا روبرو شدیم، تا آنجا که کار فیلمبرداری «نارا» چهار ماه تعطیل شد و بعد از آن هم شروع دوباره کار در خرداد خیلی سخت بود. اینکه شما همان ریتیم قبلی را حفظ کنید اصلاً کار ساده‌ای نیست. اینکه دوباره باز بگردید در همان حس و حال و هوا قرار بگیرید.

در باره نخستین فیلم‌های کارگردانان، چه در سینمای ایران، چه در سینمای سایر کشورها، کمابیش صحبت‌هایی می‌شود و برای بسیاری از کارگردانان، اثری که ورودی آن‌ها به عالم هنر هفتم (در بخش فیلم بلند) محسوب می‌شود، گاه پیش از حد مهم جلوه می‌کند. آیا کاه قهرمان از تولید «نارا» به عنوان نخستین ساخته بلندش رضایت دارد؟

خوب من آدمی هستم که همیشه غر می‌زنم اما آناری مانند «نارا» را باید با توجه به بضاعت‌شان ستجد. به یقین اگر فیلم ما با بودجه بالاتر و با حضور اسپانسر ساخته می‌شد، سر و شکل بهتری می‌گرفت. این حقیقتی انکارناپذیر است. با وجود این، وقتی با خودم یک دودوتا چهارتامی کنم می‌بینم که به از «نارا» به عنوان نخستین فیلم بلندم رضایت دارم. همه ما (عوامل تولید فیلم «نارا») قبل از ساخت فیلم می‌خواستیم به نتیجه‌ای برسیم و این فیلم را با سر و شکلی که در ذهن مان داشتیم

بسازیم. حالا اینطور نیست که بگوییم نه آنچه می‌خواستیم نشد. با توجه به آنچه در چنته داشتیم، فارغ از هر چیزی، تولید فیلم «نارا» رضایت‌بخش بود.

#### از اکران فیلم‌تان در سینماها راضی بودید؟

نه در این مورد اصلاً راضی نیستیم. در واقع بگذارید بگویم از باب مسأله‌بخش و اکران فیلم به «نارا» ظلم شد. خوب این موضوع هم باز معلول مستقل بودن فیلم است. دلیلش این نبود که من کارگردانی «نارا» را بر عهده داشتیم. وقتی در این کار شما حمایت نمی‌شوید، وقتی بودجه ندارید، وقتی کسی نمی‌آید پشت کار شما قرار بگیرد، خوب طبیعی است که فیلم شما محکوم به کمتر دیده شدن می‌شود.

نه منظورم این نبود که استقبال از «نارا» به مقوله کارگردانی شما مربوط می‌شود. فقط بحث رضایت بود.

بله کاملاً متوجه منظور شما شدم. می‌دانید، خستگی هر کارگردانی زمانی از تنش بیرون می‌رود که مخاطبان فیلمش را ببینند.

و در ادامه چه خواهید کرد؟ باز هم دوست دارید فیلم مستقل بسازید یا سعی می‌کنید به سمت و سویی بروید که با جذب اسپانسر مالی به قول خودتان همواره هزینه کافی برای تولید فیلم‌های بلند هم داشته باشید؟

(می‌خندد) نه خوب هیچکس دوست ندارد بدون پول، بدون حتمی مالی فیلمسازی کند. ضمن اینکه شغل اصلی من هم تبلیغات است اما من با کارگردانی تیزر از تراق می‌کنم اما با وجود این هم باز کسی حاضر نشد ببیند، پشت کار قرار بگیرد و اسپانسر بنگ فیلم «نارا» را قبول کند و با همان بودجه شخصی و مستقل این اثر را تولید کردیم. هیچکس، هیچ فیلمسازی بدش نمی‌آید با پول زیاد، یا بهتر بگویم با هزینه کافی فیلم بسازد و من هم از این قاعده مستثنی نیستیم اما اگر باز هم فیلمی بسازم شک نکنید بر موضوع استقلال فیلمساز تاکید خواهم کرد.

#### درباره «گروه سینمای هنر و تجربه» و سیاست‌گذاری جدید آن در دوره فعلی چه نظری دارید؟

همین اکران فیلم «نارا» در واقع امکانی بود که گروه هنر و تجربه برای ما مهیا کرد. متأسفانه همانطور که می‌دانید بخش کنندگان فیلم در ایران، دارنده سمتهای حرکت می‌کنند که سینمای ما را به نابودی می‌کشاند و وقتی می‌گویند فقط فیلم کمدهی بسازید تا بخش کنیم، چه معنایی دارد؟ وقتی می‌رویم از هند فیلم می‌آوریم و بخش می‌کنیم، یعنی ما به ۵۰ سال پیش عقب‌گرد کرده‌ایم...

#### خوب اگر منظورتان «خیزش، غرش، شورش» است که آن فیلم کمدهی نبود

نه منظورم آن فیلم نبود. من دارم کلی می‌گویم. به هر حال سینمای هنر و تجربه فرصتی می‌شود برای فیلم‌هایی که دیده نمی‌شوند و از این بابت خیلی به این دست فیلم‌ها کمک می‌شود و برای آن‌ها مفید است. اگر دقت کنید متوجه می‌شوید که دوره جدید نمایش فیلم‌ها بسیار متمرکز است. یعنی برخی فیلم‌ها هر روز در یک سری سینماهای مشخص اکران می‌شوند. وقتی از منظر رقابتی به این مقوله نگاه کنید متوجه خواهید شد اصلاً امکان رقابت وجود ندارد و این یک باگ بزرگ است. سینما مقوله‌ای فرهنگی است و وقتی قرار است از یک محصول فرهنگی حمایت شود، این شیوه به نظر من حمایت نیست. روی صحبت من با کسانی است که داعیه حمایت از سینما را دارند و متأسفانه باید اذعان کرد این بیشتر شبیه یک شواست تا حمایت از محصولات فرهنگی.

#### فیلم بلند جدیدی هم در دست تولید دارید، یا اثری هست که در حال تهیه مقدمات ساخت آن باشید؟

خبر اثری در دست تولید ندارم و این بار هم به همان بحثی که از ابتدا به آن اشاره کردم بازمی‌گردد. البته پروژه آماده برداخت دارم اما وقتی حامی مالی نیاید و از تولید فیلم حمایت نکند، نمی‌شود بگوییم قبلی برای تولید در دست داریم.

شما مدتی هم در کره جنوبی و در بوسان تحصیل کردید. به نظرم کمی تحت تاثیر کیم کی دوک، فیلمساز برجسته کره‌ای نیز قرار گرفته‌اید.

البته من تحصیلات سینمایی در کره جنوبی نداشتیم. سال ۲۰۰۹ بود که برای گذراندن دوره‌های آکادمیک در فیلمسازی به بوسان رفتم. آن دوره هر دو سال یک بار هم‌زمان با جشنواره‌های در کره جنوبی برگزار می‌شد و نمی‌دانم آیا هنوز هم این دو سالانه طبق روال برگزار می‌شود یا نه. درباره کیم کی دوک قنبد هم باید بگویم و فیلمسازی برجسته و صاحب سبک بود و البته من تحت تاثیرش نبودم.

تهیه‌کننده دیگری که بپایید و با وجود تهیه‌کننده ابتدایی کار را بپذیرد، به نظر نمی‌رسد کار چندان ساده‌ای باشد.

اتفاقاً نه، خیلی هم سخت نبود. آقای موسوی قدم پیش گذاشتند و کار را بپذیرفتند. درباره سختی کار هم باید این را بگویم که وقتی شما فیلمی مستقل با بودجه محدود و شخصی می‌سازید، بله کاری بسیار سخت و پیچیده پیش رو دارید. البته قرار نیست اگر اوضاع اینطور بود از چیزی بگذریم و بگوییم چون بودجه نداشتیم اینطور شد و بخواهیم چیزی را نوجیه کنیم. در عین سختی کار تولید فیلم سینمایی «نارا» تیم بسیار خوبی کنار من بود و هر کدام می‌کوشیدند به بهترین شکل ممکن کار خود را به سرانجام برسانند. این مهم بود که خیلی‌ها به مالطفت کردند و از همه آن‌ها تشکر می‌کنم. در چنین شرایطی بود که کار خوب تیمی مامنجر به تولید فیلم «نارا» شد.

سوالاتی که شاید در ذهن اغلب تماشاگران «نارا» شکل بگیرد این است که چرا از سه زوج مختلف برای روایت زندگی یک زوج استفاده کردید. که البته شباهت‌های ظاهری چندان